

خلاصه کتاب تاریخ مطبوعات ایران

این کتاب شامل مباحث زیر است که خلاصه ای از آن را در این نوشتار می خوانید:

فهرست

روزگار ناصری

عهد مظفری

دو دهه پایانی قاجار

ایام پهلوی

زمانه پهلوی دوم

دوره انقلاب

تاریخ مطبوعات جهان

رمضان ۱۲۵۲ قمری خورشید مطبوعات ایران با انتشار پیش شماره نخستین نشریه ادواری چاپی طلوع کرد. بنیانگذار این نشریه بی نام که با عنوان های کاغذ اخبار، اخبار و وقایع شهر، اخبارشهر، نشریه میرزا صالح، روزنامه بی نام و اولین روزنامه ایرانی یاد می شود.

نخستین نشریه فارسی چاپ ایران در چهار صفحه با قطع ۲۴-۴۰ منتشر شد. صفحه اول و چهارم آن سفید بود و مطالبش در یک رویه کاغذ در صفحه های دوم و سوم به چاپ می رسید. تنها تصویر این نشریه، نشان دولتی ایران-شیر و خورشید و شمشیر-بود که در سر لوحه قرار داشت.

گویا نخستین نشریه ایران را مجانی به اطراف و اکناف می فرستاده اند. هدف دولت از تأمین بودجه این نشریه به ظاهر تربیت مردم و آگاهی از کار جهان و در باطن پاسخگویی به بعضی از مطبوعات خارجی بوده که دربار ایران، اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور و وضع معیشتی مردم مطالبی می نوشته اند.

میرزا محمد صالح شیرازی بنیانگذار نشریه بی نام روزگار محمد شاه قاجار، نخستین ایرانی دانش آموخته روزنامه نگاری است که افزون بر یادگیری روزنامه نگاری از فرنگیان، پایه های ایرانیزه سازی روزنامه نگاری را در

کشور بنیان نهاده است. از وی به عنوان نخستین روزنامه نگار گزارش نویس نیز یاد می کنند. میرزا صالح سه سال و نه ماه و بیست روز از عمر خود را در انگلیس به آموختن زبان های انگلیسی و فرانسوی و تهیه حروف و حکاکی، نحوه ساخت مرکب چاپ و به طور کلی فنون چاپ و روزنامه نگاری گذراند. بعد از این مدت به ایران برگشت و مترجم و مستشار عباس میرزا شد که باعث جدایی ۱۸ ساله وی و روزنامه نگاری شد. چاپخانه ای را که به همراه آورده بود به برادرش میرزا جعفر سپرد و خود مشغول کار های اداری دولت شد. از دیگر کارهای میرزا صالح در زمینه مطبوعات و چاپ و نشر، خرید چاپخانه از روسیه و راه اندازی آن در تبریز است.

روزگار ناصری

به محض تاجگذاری ناصر الدین شاه در شوال ۱۲۶۴ ق میسیونرهای آمریکایی برای انتشار نشریه در ارومیه از او اجازه خواستند که شاه با مشورت امیر کبیر مجوز داد. در دومین سال عهد ناصری دومین نشریه ایران با عنوان زاهریرادی باهرا به معنای اشعه روشنایی زیر چاپ رفت. بعد از گذشت سه سال از پادشاهی ناصرالدین شاه سومین نشریه ایران منتشر شد.

بنیاد روزنامه نگاری فارسی را در عهد ناصری امیرکبیر گذارد. هدف امیر کبیر از انتشار روزنامه، تربیت و آگاهی مردم ایران و مقابله با شایعه سازان بود. وی به مباشران روزنامه توصیه کرد که اطلاعات درست به خوانندگان بدهند تا رضایت شان جلب شود و به روزنامه اعتماد پیدا کنند. اقدام دیگر ایر کبیر اجبار در اشتراک روزنامه بوده و افزون بر کارگزاران حکومت و دولتیان، سران ایلات و طوایف نیز ملزم بوده اند که روزنامه را مشترک شوند و حق اشتراک را به جبر بپردازند.

پس از مرگ امیر کبیر و انتشار ۴۱ شماره از روزنامه وقایع اتفاقیه میرزا آقا خان به صدارت رسید و در سال ۱۲۷۲ ق فرمان تاسیس روزنامه ملتی را صادر کردند. روزنامه وقایع اتفاقیه در دوره میرزا آقاخان نوری از حیث شکل تغییر نکرد، اما از نظر محتوا تا حدودی دگرگون شد. از جمله کارهایی که او برای روزنامه به انجام رساند، تأسیس دفتری برای مراجعه عمومی و ساماندهی امور توزیع روزنامه با همکاری میرزا جبار تذکره چی بود. انتشار روزنامه یدکی که امروز فوق العاده می نامند در آن دوره رواج گرفت.

در زمینه مطبوعاتی صدور مجوز انتشار، تعیین گردانندگان نشریه ها، تعیین حدود وظایفشان، ممیزی قبل و بعد از نشر، تعیین بایدها و نبایدها، دستور دستگیری شب نامه نگاران، مقاله نویسان مطبوعات فارسی برون مرزی و موزعان این گونه نشریه هادر داخل و نیز صدور احکام قضایی برای متهمان، صدور مجوز انتشار نشریه برای

اقلیت های دینی، توقیف و...ازجمله کارهایی است که در کارنامه پیش از مشروطیت، شاهان قاجار، به ویژه ناصرالدین شاه دیده می شود.

روزنامه ملت سنیه ایران/روزنامه ملتی را می توان نخستین نشریه ادبی ایران دانست که دو شماره ۱ و ۲۱ به مذاق شاه خوش نیامد و معدوم شد. از این دو نشریه می توان به عنوان اولین نشریه توقیف شده ایران یاد کرد. نکته دیگر انتقاد میرزا فتحعلی آخوندزاده بود که به عنوان اولین نقد مطبوعات و پاسخ مرتضی قلی به عنوان اولین پاسخ مطبوعاتی در ایران بود.

روزنامه ملتی آذربایجان، روزنامه وقایع اتفاقیه(چاپ تبریز)، تبریز، مدنیت، نشریه مدرسه مبارکه دارالفنون دارالسلطنه تبریز، ناصری از جمله نشریه های قلمرو حکمرانی مظفرالدین میرزا و المنطبعه فی الفارس و فرهنگ در زمره مطبوعاتی زیر نظر مسعود میرزا ظل السلطان بودند.

در سده نخست حیات مطبوعات در ایران، جهان پر شتاب پیش می رفت و ایران نیز به عرصه جهانی پرتاب شده بود. جامعه آن روز از بی سواد و کم سواد رنج می برد. غم نان و جور حاکمان اصلی ترین مشکل شان بود. در چنین شرایطی استفاده ابزاری از مطبوعات شروع شد. آغاز گر این استفاده ابزاری دولت و در بیرون مرز افرادی بودند که نشریه های فارسی زبان را منتشر می کردند که مشهورترین آنها میرزا ملکم ناظم الدوله بود که پایه گذار دشنام نویسی و هتاکی در مطبوعات فارسی بود.

آنچه در مطبوعات ادوار نخست روزنامه نگاری در ایران به چاپ رسیده، از حیث نثر متأثر از دو سبک قدیم و جدید است. نثر قدیم نمی توانست با بدنه جامعه ارتباط برقرار کند و دیرفهمی آن حتی برای بسیاری باسوادان سبب گردید سبک جدید که نسبت به شیوه قدیم ساده، زودفهم و خوش خوان بود، جای خود را در مطبوعات باز کند.

درست نویسی و ساده نگاری فارسی، روان نویسی متن، برابر سازی واژه های بیگانه و نگارش نخستین شیوه نامه نشانه گذاری/علائم سجاوندی/اصول نقطه گذاری و ویرایش در متون فارسی به همت روزنامه نگاران فراهم آمد. برگردان نخستین گزارش های مطبوعاتی را در روزنامه وقایع اتفاقیه و اولین مصاحبه به مفهوم امروزی را در نشریه فرهنگ(چاپ اصفهان) می توان خواند.

از حیث تصویر شیر و شمشیر نخستین تصویر چاپ شده در مطبوعات ایران است. در عهد ناصری، طنز تصویری نمی بینیم. اما آنچه امروزه کاریکاتور و کارتون می نامند در آن روزگار صور موهومه خیالی و تصویرات مضحک

نام داشت. در دوره ناصری سه نوع جنگ قلمی وجود داشت که نوع اول و دوم جنگ برون مرزی و نوع سوم جنگ داخلی بود. در نوع اول روزنامه ها به آنچه که علیه شاه، دربار و حکام قاجار در مطبوعات خارجی چاپ می شد پاسخ می دادند. در نوع دوم مطبوعات داخلی با نشریه های فارسی برون مرزی به ستیز قلمی می پرداختند. نوع سوم نیز مبارزه مطبوعاتی در داخل کشور است.

به طور کلی مهم ترین رویدادهای مطبوعاتی در روزگار ناصری: انتشار نخستین نشریه های چاپ ارومیه، تبریز، شیراز و اصفهان و اولین خبرنگار محرمانه و نشریه های ادبی، حقوقی، نظامی، علمی، اقتصادی، مصور، سفر، هفته نامه و سالنامه، نشریه های دو و سه زبانه و رواج نشریه های به زبان عربی، فرانسوی، انگلیسی، ارمنی، آشوری و ترکی در ایران، انتشار آگهی، چاپ گزارش و مصاحبه مطبوعاتی، خبر رسانی، و... .

عهد مظفری

فضای نیمه باز دوره مظفرالدین شاه سبب تولد گروه هایی شد که از محل روزنامه و مجله بهره می برد. سه گرایش که به سه نقطه لندن، باکو و نجف چشم دوخته بودند، کم بودن باسوادان، گرانی بهای روزنامه و مجله (نسبت به سایر مایحتاج) از جمله عواملی بود که ارتباط میان آفرینان را با پیام گیران مشکل می کرد. برای تسهیل این ارتباط، همچون روزگار پیشین باسوادان درصدد برآمدند مطبوعات را برای بی سوادان بخوانند. بی سوادان علاقه مندان به سواد آموزی شدند. رواج مدرسه در دوره مظفری بر شمار روزنامه خوانان افزود و افرادی که تربیت اجتماعی را از پایه های رواج مطبوعات می دانستند تا حدودی-نسبت به میزان جمعیت و میزان امکان-موفق شدند.

آغازین سال های عهد مظفری، افزون بر روزنامه نگاری دولتی، دو جریان دیگر روزنامه نگاری در داخل کشور شکل گرفت. یکی روزنامه نگاری فرهنگی و دو روزنامه نگاری سیاسی. گروه اول به گسترش مدارس و توسعه معارف باور داشتند و معتقد بودند که با مذاکره بعضی علوم به زبان ساده می توان کم کم الفاظ علم و آداب و شروط انسانیت را گوشزد مردم ایران کرد.

در دوره مظفری شمار نشریه های چاپ ایران از ۶۰ عنوان و ادواری های برون مرزی از ۲۰ عنوان گذشت. همچنین نباید از یاد برد که دست کم ۶ نشریه متعلق به دوره ناصری است. عهد مظفری سر آغاز تعدد و تا حدودی تنوع در عرصه روزنامه نگاری ایران است. پس از نشر شرافت از صفر ۱۳۱۴ق نخستین رویداد مهم در عهد مظفری انتشار تربیت از ۱۱ رجب ۱۳۱۴ق به وسیله محمد حسین فروغی است. او نخستین کسی بود که با

نیت خصوصی سازی مطبوعات خود را از وزارت انطباعات رهانید و نشریه تربیت را بنیان نهاد. با نشر تربیت، یارانه دولتی هم برای روزنامه نگاری ایران متولد شد.

ادب به مدیریت سید صادق حسینی (ادیب الممالک فراهانی) در آغاز مستقل و در نیمه راه با پشتیبانی مدرسه لقمانیه با روش علمی، فرهنگی، سیاسی ادامه حیات پیدا کرد. نشریه احتیاج با موضوع اقتصادی به همت علیقلی صراف منتشر شد که هفت شماره دوام آورد. میرزا حسین طبیب زاده بنیان گذارمدرسه کمال، نشریه کمال را از رجب ۱۳۱۷ق و عبدالله جهانشاهی با سرمایه معرفت، نشریه معرفت را در ربیع الاول ۱۳۱۹ ق منتشر کرد. تبریز در آن روزگار افزون بر نشریه های فارسی، شاهد انتشار مطبوعات ترکی و ارمنی و در ارومیه ادواری هایی به زبان کلدانی سریانی بود.

به مفهوم امروزی از حیث شکل و محتوا می باید فلاح مظفری، الاسلام، گنجینه فنون را به تربیت سه مجله نخست ایران دانست. میان سه مجله که در تمام حیات مجله بوده اند، گنجینه فنون اولین نشریه ای است که به وسیله شورای دبیران گروه کتابخانه تربیت اداره می شد. مجمع آزادمردان، ربیع الاول ۱۳۲۱ق برپا شد که خطیبان و قلمداران به ویژه روزنامه نگاران گردانندگان اصلی این گروه بودند که شبکه ای برای نگارش به منظور تغذیه محتوایی نشریه های برون مرزی و شب نامه ها و نیز خبر گیری و توزیع ادواری های برون مرزی و شب نامه های داخلی در شهرهای ایران برپا کردند.

چاپ عکس در مطبوعات از رویدادهای مهم دوره مظفری یاد شده است. نشریه های مکتب، ایران، مجلس، ندای وطن، جبل المتین، در زمره نخستین نشریه هایی هستند که برای اولین بار در مطبوعات ایران عکس را مستقیم به چاپ رسانده اند.

دوره مظفری استفاده از اخبار خبرگزاری ها و مطبوعات خارجی آسان تر شد و مترجمان واسطه آموزش شیوه های خبر نویسی و شگردهای روزنامه نگاری شدند. تطبیق روزنامه های روزگار ناصری با عهد مظفری این نکته را نمایان می کند که روزنامه نگاران ایرانی در پی دانش افزونی بودند و از هر روزنه ای برای بهبود کار خود بهره می جستند.

در کارنامه مطبوعاتی ایران عهد مظفری انتشار نشریه های فرهنگی، مذهبی، پزشکی، ادبی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را می بینیم. همچنین مدرسه ها در آن روزگار یکی از کانون های مطبوعاتی بوده اند که در پرورش روزنامه نگار و شب نامه نگار و رابطان خبری مطبوعات فارسی برونمرزی سهم به سزایی داشتند. فلک کردن منتقدان در ملاء عام، تبعید قلم به دستان، توقیف نشریه ها و اذیت و آزار اصحاب قلم به وسیله عوامل حاکمیت

نیز در آن دوره اتفاق افتاد. تاجران ایرانی برونمرزی و درونمرزی با انگیزه های که داشتند منافع خود را در توسعه روزنامه های خصوصی می دیدند. شاید بدان امید که به تبع آن انحصار اقتصاد دولتی شکسته می شود. همچنین سر آغاز انتشار روزانه در ایران، ورود بخش خصوصی به عرصه انتشار مطبوعات، نشر اولین مجله ونخستین نشریه اسلامی، کشاورزی، کودک و نوجوان، اخلاقی، پزشکی، چاپ کاریکاتور و عکس، استفاده از تلفن و ضبط صوت، اختصاص یارانه به بخش خصوصی داخلی و فارسی زبان برونمرزی از جمله حبل المتقین و حکمت که گاهی هم قطع می شد از ویژگی های مطبوعات در روزگار مظفیری است. توزیع وسیع شب نامه ها و نشریه های فارسی زبان برونمرزی، تشکیل انجمن های مخفی، مشارکت مطبوعاتی ها در جنبش عدالت جویی و آزادیخواهی، یادآوری صورت تعلیم و تربیت، قانون گرایی و عبرت از ژاپن به مردم از جمله چاپکرده های روزنامه هاست. فیلم بینی دربار و اصحاب انطباعات نیز در همان دوره مرسوم شد. اگر بخواهیم پیش زمینه صدور فرمان مشروطه را واکاوی کنیم نباید عزاداری محرم ۱۳۲۳ق و محرم ۱۳۲۴ق را از یاد ببریم. دو رویدادی که در مطبوعات فارسی زبان برونمرزی انعکاس پیدا کرد و سبب وسعت جنبش مردم شد و وبه دگرگونی های بعدی انجامید.

دو دهه پایانی قاجار

در این دوره به طور متوسط، هر دو سه روز، یک عنوان روزنامه یا شب نامه نو منتشر می شد. سال ۱۳۲۵ق یکی از سال های عذاب آور برای محمد علی شاه و نقطه عطفی در تاریخ مطبوعات ایران محسوب می شود. در این سال ده ها نشریه از جمله صبح صادق، حیل متین، صوراسرافیل، روح القدس، مساوات و نسیم شمال منتشر شدند.

پیام اصلی و موضع شماری از نشریه های مشروطه اول تحول اساسی در محتوای روزنامه های ایران پدید آورد. بسیاری از مطبوعات دوره مشروطه اول در خدمت حرکت اجتماعی بودند و صحنه انعکاس اندیشه ها و عقاید گوناگون مردم محسوب می شدند. بهره گیری از طنز و کاریکاتور و بازتاب رنج های عامه مردم، پایگاه اجتماعی برای مطبوعات پدید آورد. اما در این دوره مطبوعات به میدان جنگ قلمی نیز مبدل شد. برای نخستین بار عالمان دینی مباحثه حوزوی و تفاوت دیدگاههای خود را به مطبوعات کشاندند و مطبوعات عهده دار وظایف سایر رسانه ها شد.

جام جم در پاسخ کسانی در آن روزگار می گفتند: بابا چه خبر است این همه روزنامه برای چیست؟ نوشت: ترقی حاصل نخواهد شد مگر به واسطه اجتماع افکار صحیحه و افکار صحیحه جمع نخواهد شد مگر در اوراق جراید.

در آن عهد شماری از شاغلان مطبوعات تلاش خود را معطوف بر قطع ارتباط با گذشته کردند و انحلال انطباعات را خواستار شدند. آینده نگری نداشتند و وقت شناس هم نبودند. تصورشان این بود که محمدعلی شاه را هم می شود همانند مظفرالدین شاه مجاب کرد و حال آن که این گونه نشد.

شمارگان روزنامه های مشهور دست کم ۳۰۰۰ نسخه و حداکثر ۱۰۰۰۰ نسخه بود. مجلس و صور اسرافیل پر شمارگان نشریه های چاپ تهران و روزنامه انجمن تبریز پر تیراژترین نشریه شهرستانی در دوره اول مشروطه ایران بودند. سبک نگارش جدید، نثر روان و قابل فهم و بیان افکار به زبان سهل و ساده موجب شد که نشریه های مشروطه اول حمایت عامه مردم را به دست آورند و به فروش بی سابقه ای دست پیدا کنند. در نخستین سال رونق و تنوع مطبوعاتی در ایران روزنامه فروشی از مشاغل پر درآمد شد و روزنامه فروشی که سیار بودند بیشترین شان در نقطه های پر رفت و آمد شهر یکجانشینی گزیدند. روال فروش روزنامه تغییر پیدا کرد. تا ۱۳۲۵ ق روزنامه فروشان به کوی و برزن و کوچه و بازار می رفتند و پی خواهندگان می گشتند. از آن پس اما این خواهندگان و خوانندگان بودند که در پی فروشندگان مطبوعات بودند و همین امر سبب شد روزنامه فروشان اسکان یابند.

یکی از نخستین رویارویی های مطبوعاتی با محمد علی شاه و هیات حاکمه بر سر عهدنامه روس و انگلیس در ۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م بود. این دو دولت در سن پترزبورگ ایران را به سه منطقه تقسیم کردند. بلافاصله پس از این قرارداد که مقدمه تجزیه بود ایراندوستان فریاد زدند و به مقابله برخاستند. پاره ای از سروده ها و نوشته های در این زمینه در مطبوعات آن عهد منتشر شد و به دربار ایران و شخص شاه گران آمد. بر اثر این ماجرا و دیگر وقایعی که در سال ۱۳۲۵ ق به وقوع پیوست شاه و درباریان در یک سو و مجلس و مطبوعات سوی دیگر قرار گرفتند و کینه شاه نسبت به این دو روز افزون شد. در میان روزنامه نگارانی که محمد علی شاه بسیار از آنها تنفر داشت سید محمدرضا شیرازی مدیر نشریه مساوات، میرزا جهانگیرخان و علی اکبر خان به ترتیب مدیر و سردبیر نشریه صور اسرافیل و احمد تربتی (سلطان العلماء خراسانی) مدیر روح القدس بودند.

متمم قانون اساسی در ۲۱ شعبان ۱۳۲۵ ق به تصویب رسید که در اصل بیستم آن ضمن یادآوری حدود کلی مطبوعات مجازات متخلفان را طبق قانون مطبوعات تعیین کرده بودند. عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد و ممیزی در آن ها ممنوع است. ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات مجازات می شود ولی اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند. در اصل ۷۷ و ۷۹ متمم یاد شده تقصیرات سیاسی و مطبوعات و نحوه محاکمه و حضور هیات منصفه را آورده بودند.

مجلس نشینان معتقد بودند که روزنامه نویس ها بد می کنند و از مسلک روزنامه نویسی خارج هستند. روزنامه ها هم واکنش نشان دادند که استبداد از ارگ دولتی به عمارت بهارستان نزول کرده. سه ماهه شوال، ذیقعد و ذیحجه ۱۳۲۵ ق بیشتر وقت مجلس به بحث درباره قانون مطبوعات گذشت. گفت وگوهای پیاپی مجلس نشین درباره چاپکرده های بعضی روزنامه ها، نطق های وزیر علوم وی به نحوه تعامل مدیران مطبوعات با وزارت متبوع از بحث های همیشگی مجلس تا زمان تصویب قانون مطبوعات بود. تا این که سر انجام از ۸۸ نماینده ۷۶ تن به قانون مطبوعات رای موافق دادند. قانون مطبوعات در ۵۲ ماده در جلسه ۵ محرم الحرام ۱۳۲۶ قمری به تصویب مجلس شورای ملی رسید. این قانون مشتمل بود بر یک مقدمه و شش فصل که در مجموع ۵۲ ماده داشت. فصل اول: چاپخانه و کتابفروشی ها، فصل دوم: کتب، فصل سوم: روزنامهجات مقرر، فصل چهارم: اعلانات، فصل پنجم: حدود تقصیر نسبت به جماعت، فصل ششم: محاکمه. به دنبال تصویب این قانون و ابلاغ آن به دولت، شیوه کسب امتیاز انتشار مطبوعات تغییر کرد و متقاضیان انتشار نشریه لازم بود. برای کسب پروانه انتشار مراحل مختلفی را طی کنند. این امر واکنش روزنامه نگاران روبه رو شد و به جدال روزنامه نگاران با دولت وقت منتهی گردید. به محض نشر خبر تصویب قانون مطبوعات در مجلس، گفتارها و نوشتارهای منتقدان این قانون آغازیدن گرفت. مقاله ها و ویژه نامه هایی در این زمینه انتشار یافت و به رویارویی روزنامه نگاران تندرو با مجلس انجامید. تاسف آن که شماری از روزنامه نگاران به جای تحلیل کارشناسی به ردیه نویسی مشغول شدند و ده ها مقاله علیه قانون مطبوعات و به نگارش در آوردند. مساوات شماره ۱۹ خود در ۳ ربیع الاول ۱۳۲۶ ق به ویژه نامه قانون مطبوعات اختصاص داد.

نوشته های مساوات و دیگر نشریه ها اگر چه در کوتاه مدت هیمنه شاه را فرو ریخت، در بلند مدت اما به ضرر روزنامه نگاران تمام شد. موج حمله به روزنامه نگاران میانه رو رواج داشت. برگه های تهمت و افترا و اتهام به نام شب نامه و روزنامه مانند ورق زر دست به دست می گشت. یک روز شاه تهدید به قتل می شد. روز دیگر درباره مادرش مطالبی می نوشتند و در عین حال گروه فشار مدعیان آزادیخواهی چاپخانه ها را تهدید می کردند که نباید نشریات مخالفان آن ها را چاپ برساند. از یک سو به نام آزادی افراط و غلو بیداد می کرد و از سوی دیگر نباید از یاد برد که ویرانی و آتش سوزی دفتر روزنامه ها را در مشروطه اول مدعیان آزادیخواهی با یورش به دفتر صبح صادق به دیگران یاد دادند. چرا که حتی یک صدای متفاوت را نمی خواستند بشنوند. سایه سیاست بر پیکر نحیف روزنامه نگاری سنگینی می کرد. شماری از خردگرایان مطبوعات که عقلا نیت روزنامه نگارانه داشتند، ماه ها پیش از ویرانی ها در پی تنش زدایی بودند اما در هیاهوی زمانه استدلال های منطقی شان گم شد و صدایشان به جایی نرسید. خرد گرایان عرصه روزنامه نگاری با متشرعان با زبان شرع سخن می گفتند و

استناد به آیه های قرآن می جستند اما گوش شنوا نبود و هرکس در پی هدف های محفلی خود گام بر می داشت. حساسیت محمد علی شاه به مطبوعات تا جایی پیش رفت که وی از روزنامه نگاران به عنوان بانیان اختلال واغتشاش یاد کرد. بهانه کافی برای شاه، درباریان و متحدانشان فراهم شده بود تا این که درگیری میدان بهارستان سبب شد محمد علی شاه با همیاری و همدستی روس ها در ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ ق کودتا کند. این کودتا، پناهندگی، دستگیری و گریختن شماری از روزنامه نگاران، غارت و آتش سوزی دفتر روزنامه ها را به دنبال داشت.

آنچه ما در سرلوحه بسیاری از نشریه های مشروطه اول می بینیم شعار است و بسیاری نیز که مطبوعات را سنگر دانسته اند با قلم به این سوی و آن سوی شلیک کرده اند. رئیس دوره اول مجلس شورای ملی به صراحت در جلسه علنی مجلس می گوید: «مطلب برای روزنامه نوشتن زیاد است منحصر به بدگویی نیست». در بیشتر مطبوعات مشروطه اول فکر و ایده ای نو و برنامه ای مدون نمی بینیم. «مشروطه خوب است» و «استبداد بد است» سراسر صفحه ها را پر کرده است و اندیشه منسجم برای تبدیل شعار به شعور دیده نمی شود.

پس از بمباران مجلس تا سقوط محمد علی شاه، بازار نشر مطبوعات فارسی برونمرزی و شب نامه نگاری رونق گرفت و مرثیه سرایی برای آزادی آغاز شد. دربار، به نشر روزنامه ایران بسنده کرد و پس از مدتی ندای وطن و اقیانوس را هم برنتابید. کانون چاپ و نشر روزنامه در داخل کشور از تهران به پاره ای از شهرها و خارج از کشور کشیده شد. در این دوران روزنامه نگاری به ترتیب در آذربایجان، اصفهان و گیلان گسترش بیشتری پیدا کرد و گروهی از روزنامه نگاران تهران نشین برای تداوم فعالیت های مطبوعاتی به شهرهای تبریز و اصفهان و رشت رفتند.

آغاز مشروطه دوم را باید دوره آشتی دوباره مطبوعات با شماری از مردم نامید. از یک سو مطالب جذاب بود و از سوی دیگر انتشار مطبوعات در زمینه های زنان، طنز و ورود روزنامه نگاران به مباحث اجتماعی این آشتی را قوام بخشید. مجله نگاری از این سو برد اما افسوس که سود روزنامه نگاری بسیار کمتر از زیان آن بود. فقر و کم سوادی سبب تقلیل شمارگان شد و تمهیدها سبب شمارگان رویایی دوره اول نشد. پس از بازگشت روزنامه نگاران مهاجر و از سرگیری حیات شماری از روزنامه ها و هفته نامه ها، دولت دایره ای با عنوان «مبصر مطبوعات» گشود اعتراض اهل مطبوعات را در پی داشت. مجلس دوم برپا شد حزبی گویی در مجلس و حزبی نگاری در مطبوعات رواج گرفت. نخستین نزاع مجلس نشینان دوره دوم بر سر ماجرای حبل المتین چاپ تهران بود. گفت و گوها حکایت از دو دیدگاه داشت. درگیری های اعتدالیون و دموکرات مآبان به آنجا رسید که قتل یکی از حامیان اعتدالیون را به فردی از دموکرات ها نسبت دادند و مجلس دوم قانون «خلع سلاح عمومی» را

مصوب کرد که بر اساس قانون یاد شده از «مجامع و مطبوعاتی که موجب فساد و هیجان باشد به قوه قهریه جلوگیری خواهد شد». همچنین شلوغی های مجلس دوم سبب شد که زمان نگارش «نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی» که ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۷ق مصوب شد «ماده ۱۴۲» را به چگونگی ورود «مخبرین جراید و تماچیان» اختصاص دهند.

پس از انحلال دوره دوم مجلس، باز دوره انحطاط و خمود مطبوعات پیش آمد و برای مدتی شماری از نشریه ها متوقف ماندند. نکته قابل توجه در این سال ها، اعتصاب کارکنان فنی مطبوعات (کارگران چاپخانه ها) بود. اعتصاب کنندگان، کاهش ساعت کار و اضافه دستمزد را هدف خود اعلام کردند و نشریه اتفاق کارگران را برای نشر خواسته تالی خود انتشار دادند.

دوره سوم مجلس که افتتاح شد بار دیگر مطبوعات رونق گرفت. در این دوره و به طور کلی در دهه ای که از ۱۳۳۰ق شروع شد و به ۱۳۴۰ق خاتمه یافت. مجلس سوم مصادف با نایره جنگ جهانی بود و روزنامه نگاران و سیاسیون به ویژه شماری از مجلس نشینان باز هم به دو گروه، البته این بار به عنوان طرفداران «متفقین» و «متحدین» تقسیم شدند. در دوره یاد شده خارجی ها هم به جمع خواستاران توقیف مطبوعات پیوستند. فرصت شش ساله از اختتام مجلس سوم تا افتتاح مجلس چهارم، دست دولت را بیش از پیش برای تعیین تکلیف مطبوعات باز کرد. «ابلاغ تصمیم هیات دولت درباره تشکیل دادگاه مطبوعاتی بدون حضور هیات منصفه» و «نظامنامه ۴ ماده ای مطبوعات» به تفتیش کل و انطباعات از آن جمله است.

1338ق مطبوعات به صحنه اصلی موافقان و مخالفان قرارداد ۱۹۱۹ بدل شد و نگارش شب نامه علیه وثوق الدوله آغازیدن گرفت مه به توقیف و تبعید و حبس و ترور انجامید. در ادوار یاد شده تشکیلات دولتی از اطلاع رسانی و ارائه خبرهای مربوط به خود به خبرنگاران امتناع می ورزیدند و بازار شایعه سازی و شایعه پردازی داغ شده بود. از یک سو مردم نام شیخ محمد خیابانی و میرزا کوچک خان جنگلی را شنیده بودند و از سوی دیگر به درستی نمی دانستند که در آذربایجان و گیلان چه میگذرد؟ دولت معتقد بود که برای جلوگیری از بلوای عمومی خبرهای داخلی انتشار نیابند. محمد تقی بهار در بیان منظوم خود از اوضاع خبری آن سالها «مخبر» را «تنگدست»، «مطبعه» را «بیکار» و «روزنامه» را «بی خبر» توصیف کرد و وزیر داخله را مانع اصلی خبر رسانی دانست.

1338 و ۱۳۳۹ق برای روزنامه نگاران ایران سال های دشواری بود تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ش به وقوع پیوست و مشکلات دو چندان شد. گزیده رویدادهای مطبوعاتی دهه منتهی به کودتای سوم اسفند از این قرار

بود: ۱۳۲۹ق اعتصاب کارگران چاپخانه های تهران؛ ترور صنایع الدوله وزیر مالیه به وسیله ایوانف کارگر «مطبعه تهران»، تصویب قانون «تخفیف مخابرات تلگرافی و اجرت پستی جراید»، توقیف تعدادی از روزنامه ها و جلب مدیران آنها به محکمه و تشکیل جلسات هیات محاکمات مطبوعاتی و...

1330ق: اعدام میرزا ابوالقاسم ضیاءالعلماء مدیر نشریه های اتحاد و اسلامیة و میرزا احمد سهیلی نویسنده روزنامه شفق و جمعی دیگر در تبریز، توقیف شماری از مطبوعات و تبعید بعضی از روزنامه نگاران و مدیران مطبوعات تهران و گیلان و...

1331ق: در خواست وزارت معارف از وزارت داخله برای اعزام یک ژاندارم به «اداره تفتیش مطبوعات»، دستگیری میرزا محمود مدیر روزنامه چننه پابرهنه و....

1332ق: برگزاری جلسه ها و صدور اطلاعیه های هیات مدیران جراید مرکزی و...

1334ق: دستگیری پرتو مدیر نشریه اتحاد اسلام و منکوقآن ذوالخیر مدیر تازیانه غیرت، دستگیری محمد تقی بهار مدیر نشریه نوبهار و....

1335ق: ابلاغ «نظامنامه ۴ ماده ای مطبوعات» به رئیس «اداره تفتیش کل انطباعات وزارت معارف»، تصویب رسیدگی به شکایات مربوط به مطبوعات در محاکم عدلیه، تغییر شیوه «اجازه نامه» انتشار نشریه و...

1336ق: بازگشت جمعی از روزنامه نگاران به کشور، ترور میرزا نعمت الله جاوید مدیر و سر دبیر نشریه کلید نجات، توقیف سراسری مطبوعات از جمله صدای ایران، ستاره ایران و....

1338ق: توقیف نشریه های سعادت، بهارستان و اقتصاد ایران، حبس و شلاق زدن ابوطالب شیروانی مدیر نشریه میهن، شهادت شیخ محمدخیابانی مدیر نشریه تجدد و....

1339ق/۱۲۹۹ش: اخذ تعهد از مدیر تهذیب مبنی بر عدم دخالت در «سیاسات مملکتی»، انتشار اطلاعیه رئیس الوزرا خطاب به مطبوعات در مورد «لزوم خودداری از هتک حرمت افراد»، توقیف نشریه ها و بازداشت روزنامه نگاران و مدیران مطبوعات و....

کوتای سوم اسفند ۱۲۹۹ به وقوع پیوست؛ محمد تقی بهار در گزارشی از اوضاع صبح یکشنبه سوم اسفند ۱۱ جمادی الاخر ۱۳۹۹ق به پرس و جو و خبرگیری مردم از یکدیگر اشاره دارد و یادآور شده که «تنها روزنامه ای

که خبر ورود عده ای از قزاقها را به ریاست رضا خان میر پنجه منتشر کرده، روزنامه من (ایران یومیه) بود و این خبر چیز عمده ای در بر نداشت، فقط معلوم می نمود که خبریست.»

ماه میانی زمستان ۱۳۰۰ش که ایران در آستانه یکمین سال کودتای سوم اسفند قرار گرفت، موافقان و مخالفان به ارزیابی اثر و ثمر کدتا پرداختند و درباره زمینه ها، عوامل و نتایج رخداد یاد شده مطالبی نوشتند. بیشتر نوشته ها خشم «رضا وزیر جنگ» را برانگیخت و به زعم خود پاسخ منتقدان کدتا را با «فوق العاده جریده قشون» داد. در این فوق العاده که پس از نشان دولتی ایران، عنوان «ابلاغیه وزارت جنگ» و تاریخ «دویم برج حوت ۱۳۰۰» و امضای «وزیر جنگ رضا» را داشت خود را به طور تلویحی «مسبب حقیقی کودتا» خواند.

ایام پهلوی

اگر بخواهیم رخدادهای مطبوعاتی دوره پادشاهی پهلوی اول را از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ به دقت واکاوی کنیم به نقش مشاوران شاه در فراز و فرود روزنامه نگاری در ایران بیشتر پی می بریم. سیاست یکسان در ۱۶ سال یاد شده حاکم نیست. در این دوره پیشینه داران عرصه مطبوعات بیش از روزنامه نگاری به مجله نگاری روی آوردند. ۱۳۰۰ را باید سر آغاز دوره دیگری از مجله نگاری در ایران دانست. شمار مجله ها پیش از ۱۳۰۰ به نسبت روزنامه ها بسیار اندک بود اما پس از ۱۳۰۰ و به ویژه در دوره بیست ساله (۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰) مجله رواج بیشتری گرفت. ۱۳۱۰ از مجله های مرتب خصوصی ارمغان و عالم نسوان به سال دوازدهم و از مجله های دولتی قشون به سال دهم رسید. قشون پس از دو بار تغییر نام (مهنامه ارتش و صف) در سال ۱۳۹۰ نودمین سال ذحیات خود را می گذراند. در دو دهه نخست سده حاضر بسیاری از مجله های حوزه های گوناگون تخصصی متولد شدند: مجله های ورزشی، سینمایی، کتابگزاری، موسیقی، دیار پژوهی و شهر شناسی و نظایر این ها. همچنین نشریه های نامه جوانان، دنیا، پیمان، همایون، مهرگان، راهنمای زندگی و شماری دیگر را می توان سر آغاز نوعی مجله نگاری متفاوت از حیث محتوا قلمداد کرد. تاریخ مطبوعات ایران نشانگر آن است که در یکصد و پنجاه سال نخست، رشد مجله به ویژه مجله های تخصصی نسبت معنی داری با استبداد داشته، به سخن دیگر هر گاه فضای روزنامه نگاری بسته شده شماری از روزنامه نگاران به مجله نگاری روی آورده اند و افزون بر مجله، کتاب های تاریخی و تصحیح متون کهن رواج گرفته است. روزگار پهلوی اول، حاکمیت حساس به تبلیغ برای همسایه شمالی و مرام کمونیستی یه شدت بر محموله های پستی و چاپخانه ها نظارت می کرد. رواج وطن دوستی شاه محورانه تک بعدی، تفکیک یکپارچگی تاریخ ایران با تاکید بر ایران باستان، تاسیس خبرگزاری و رادیوی دولتی به منظور تغذیه خبری عمومی حکایت از سیاست تالی نو داشت. یکی از موافقان حاکمیت پهلوی روزنامه های دوره رضا شاه را به درستی به «مرغ منقار چیده در قفس آهنین» تشبیه کرده، چرا که حتی انگشت شمار نشریه هایی که

بعضی نیز طرفدار دستگاه حاکم بودند، سانسور می شدند. توقیف مجله تعلیم و تربیت شاهد این مدعاست. کارگزاران سانسور، بیشترین شان نظمیه چی بودند که شماری از اهل قلم نیز متاسفانه به آنها پیوستند. (پنداشتمت طیب دردی ناخوش شدم و دوا نخوردم)

سانسور چی مستقر در مطبعه سربی تمدن انتشار را منوط به حذف این بیت اعلام کرده و ذیل این شعر نوشته بود: «مریض در کشور شاهنشاهی نیست» در آن دوره حتی مدیران ورزشی اجازه نداشتند خبرهای ورزشی را مستقیم به مطبوعات بدهند و سانسورچیان شبانه روز مراقب مطابع و دفتر نشریه ها و مؤسسات انتشارتی بودند. از فرودین ۱۳۱۰، نظمیه ممیزی پیش از چاپ را رسمیت بخشید و از مدیران نشریه ها خواست «مطالب هر شماره ای را که می خواهند انتشار دهند پیش از چاپ به رویت نظمیه برسانند و پس از تایید مامور مربوطه به چاپخانه تحویل دهند». کارنامه اداری کارگزاران مطبوعاتی در دوره پهلوی اول سبب شد آشکار نویسی به نهان نگاری بدل شود. شب نامه نگاری و نشر برونمرزی جان تازه ای گرفت. با وجود آن که شماری از نشریه های فارسی چاپ هند و مصر و چند کشور دیگر یه حیات خود ادامه می دادند همه نگاه هایشان را به آلمان دوختند. انتشار کاوه نقطه آغزی شد که به نشر مجله های ایرانشهر، فرنگستان، علم و هنر و نیز نشر روزنامه های پیکار، نهضت و... در آلمان انجامید.

30 بهمن ۱۳۱۷ کمیسیون مطبوعات به ریاست محمد حجازی (مطیع الدوله) آغاز به کار کرد و ظرف دو سال که حیات داشت متولی سیاستگذاری و برنامه ریزی برای مطبوعات بود. ادغام روزنامه های محلی در شهرهای ایران و تولید محتوای متمرکز در تهران برای چاپکرده های محلی، انتشار نشریه، تاسیس نخستین مرکز آموزش روزنامه نگاری با نام بنگاه روزنامه نگاری و تشکیل دوره آموزش یکساله روزنامه نگاری در دانشکده حقوق دانشگاه تهران در کارنامه کمیسیون مطبوعات سازمان پرورش افکار دیده می شود. پاره ای از وقایع مطبوعاتی ایران از ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ از این قرارند:

1305: انتشار روزنامه اطلاعات، تشکیل اداره اطلاعات نظمیه (سانسور مطبوعات از جمله وظایف این اداره بود)، آغاز به کار نخستین فرستنده بی سیم موج بلند و ایستگاه رادیویی با قدرت ۲۰ کیلووات

1306: آتش سوزی دفتر نشریه آئینه جنوب در کرمان، توقیف نشریه های ناهید، انتشار جزوه بیان حق

1307: ارائه لایحه «تاسیس مرکز انتشار اخبار و اصوات به وسیله دستگاه بی سیم». تصویب قانون هیات منصفه

1308: ممنوعیت خواندن روزنامه در ادارت.

1309: آغاز به کار نخستین فرستنده بی سیم موج کوتاه در ایران.

1310: اعلام مخالفت آیرم «رئیس تشکیلات نظمیه» به هیات وزیران با رفع توقیف نشریه نسیم شمال. تصویب نظامنامه اساسی اداره انطباعات وزارت معارف و اوقاف.

1313: تاسیس موسسه آژانس پارس، درگذشت اشرف الدین حسینی مدیر نسیم شمال.

1314: صدور دستور وزارت معارف مبنی بر لغو امتیاز روزنامه شفق سرخ.

1315: تاسیس اداره راهنمای نامه نگاری وزارت کشور، هجوم ماموران شهربانی به اداره روزنامه سعادت بشر و بازداشت هوشمند مدیر روزنامه.

1319: آغاز به کار رسمی رادیو ایران، تاسیس اداره کل تبلیغات و انتشارات.

1320: تاسیس اتحادیه مطبوعات، تاسیس جبهه مطبوعات اصفهان، تصویب «آیین نامه فروش، پخش و انتشار روزنامه و مجله». توقیف روزنامه اطلاعات بر اثر پافشاری وزیر مختار انگلیس، درخواست اعضای اتحادیه مطبوعات مبنی بر انحلال اداره راهنمای نامه نگاری، اعلام پرشس دبستانی کرمانی نماینده مجلس از نخست وزیر وقت درباره علل توقیف چهار روزنامه.

زمانه پهلوی دوم

در آغاز این دوره به سبب جنگ جهانی، ایران در اشغال بیگانگان بود و ضعف دولت موجب شد که ناراضیان دوره موسوم به دیکتاتوری زبان گشودند و قلم ها به نگارش درآمد. ابتدا تصور می رفت که گرایش های آزادیخواهی موجب ایجاد فضای مساعد مطبوعاتی شود. اما این آزادی به زودی از مرز هتاکی و فحاشی عبور کرد و به نقطه ای رسید که بسیاری آرزوی برچیده شدن آن را در دل داشتند. بیگانگان اشغالگر، جاسوس پروری را آغاز کردند و در میان آشفته بازار سیاسی، روشنگری ها گم شد و عقده گشایی های شخصی رواج یافت و نقد هتاکانه به جای نقد عالمانه نشست. سال های دهه بیست، ایام «مرده باد» و «زنده باد»، جنگ نفت و کشمکش اهل سیاست بود که پوشش مطبوعاتی را یکی از مناسب ترین شیوه ها برای برخورد های خود یافتند و مطبوعات را به عنوان سنگر جنگ برگزیدند. پس از کابینه ضد مطبوعاتی سهیلی که دوران حکمرانی اش به توقیف و لغو امتیاز تعدادی از نشریات و تلاش برای تصویب مصوبات غلاظ و شداد علیه مطبوعات گذشت، دولت های دیگر نیز یکی پس از دیگری بر سر کار آمدند و رفتند. هر روز نقشی بر دفتر ایام به ثبت می رسید: ساعد، بیات، حکیمی، صدر و مجددا

به ترتیب حکیمی و قوام و... اما در کار فرو بسته مطبوعات گشایشی نشد. در آن آشفته بازار، گروهی که به لباس مطبوعاتی درآمده بودند برای فروش بیشتر، هتاکی و فحاشی را رواج دادند.

مطبوعات اسلامی نیز در دهه ۱۳۲۰ جان تازه ای گرفتند و برای مقابله با نشریه های توده ای که تشکل ها و نشست هایی داشتند به انسجام خود پرداختند. بهار ۱۳۲۵ جلسه ای در دفتر نشریه آیین اسلام به میزبانی نصرت الله نوریانی برگزار شد که به تاسیس شرکت سهامی مطبوعات اسلامی انجامید. موسسان این شرکت که در آغاز از آنان به عنوان «موسسین شرکت سهامی مطبوعات دینی» یاد کرده اند در خرداد و تیر ۱۳۲۵ با نشر آگهی هایی برای خرید سهام فراخوان عام داده اند. اسلام پیشینه دار ترین نشریه اسلامی بود که گام در دهه ۲۰ نهاد، تولد نشریه های ایمان، آیین اسلام، خرد، پرچم اسلام، وظیفه، جلوه، دنیای اسلام، نور دانش، مردان خدا، مسلمین، ندای حق و فروغ علم در دهه ۱۳۲۰ و مجله تعلیمات اسلامی، منادی اسلام، حیات مسلمین، جلوه حقیقت، گنج شایگان، رواق، حکمت، نهضت اسلام، ستاره اسلام، مجله تاریخ اسلام، راه حق، طالب حق، درس هایی از مکتب اسلام، مکتب تشیع، جهان دانش، افکار شیعه، مکتب توحید و... در دهه ۱۳۳۰ حکایت از تداوم نشر مطبوعات اسلامی و سرمایه گذاری در این زمینه داشت. مطبوعات ایران، ۱۳۲۷ زمستان دشواری را از سر گذراندند. ۱۵ بهمن ترور نافرجام محمدرضا شاه در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به وقوع پیوست. چون ناصر فخرآرایی عامل ترور، کارت خبرنگار عکاس نشریه پرچم اسلام را در جیب داشت، مستمسک خوبی به دست دولت افتاد تا فضای نیمه باز را ببندد. بلافاصله احزاب غیر قانونی، شماری از روزنامه نگاران را بازداشت و بیش از ۹۰ نشریه توقیف شدند.

پاره ای از مهم ترین رویدادهای مطبوعات از آغاز سال ۱۳۲۱ تا پایان سال ۱۳۳۲:

1321: ارائه لایحه دو ماده ای وزارت فرهنگ برای مطبوعات به مجلس شورای ملی، اصلاح قانون مطبوعات، انتشار نشریه مشعل: ناشر افکار کارمندان روزنامه اطلاعات، تشکیل اتحادیه مطبوعات و....

1322: استیضاح دولت سهیلی به دلیل توقیف مطبوعات، درخواست فرمانداری نظامی تهران از وزارت فرهنگ در مورد «توقف اعطای امتیاز روزنامه»، فروش روزنامه باختر در بازار سیاه به علت توقیف

1323: اعلام موجودیت اتحادیه خبرنگاران ایران، تاسیس باشگاه جراید، تشکیل جبهه استقلال، توقیف موردی ده ها نشریه، درگیری مدیران مطبوعات

1324: اوج اختلافات مدیران مطبوعات تهران، تاسیس هیات مولفه مطبوعات، توقیف موردی مطبوعات، قتل احمد کسروی

1325: برگزاری نخستین کنگره نویسندگان ایران، تشکیل انجمن روزنامه نگاران ایران، اتحادیه مطبوعات ایران، سندیکای چاپخانه داران ایران، پذیرش عضویت اتحادیه مطبوعات ایران در سازمان بین المللی روزنامه نگاران

1326: اعتصاب کارگران چاپخانه بانک ملی، برگزاری نمایشگاه گراور در ایران، تشکیل جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری و جبهه مطبوعات مبارز ملی

1327: استیضاح دولت هژیر به علت توقیف غیر قانونی مطبوعات، اصلاح آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات، گردهم آیی جمعی از روزنامه نگاران در هتل ریتمس تهران

1328: بازداشت دکتر جوانمرد به جرم انتشار روزنامه جوانمرد امروز، محاکمه مدیران نشریه های صدای وطن و هور

1329: اجتماع گروهی از مردم در میدان بهارستان تهران در اعتراض به عدم آزادی مطبوعات، تشکیل اتحادیه ملی مطبوعات

1330: آتش سوزی دفتر روزنامه های آتش، بسوی آینده، سیاسی، طلوع، فرمان، نوید آزادی و...، تشکیل انجمن روزنامه نگاران دمکرات، جبهه مطبوعات متحد ایران، جبهه مطبوعات متفق ایران

1331: اعتراض جامعه روزنامه نگاران خوزستان به لایحه مطبوعات، تشکیل اتحادیه مطبوعات فارس، جامعه روزنامه نگاران ملی، جبهه روزنامه نگاران مبارز راه آهن، تعیین اعضای هیات منصفه مطبوعات

1332: تصویب لایحه قانونی مطبوعات، برگزاری کمیسیون لایحه قانون مطبوعات در تهران در منزل دکتر مصدق، توقیف نشریه ها، حبس و تبعید روزنامه نگاران پس از کودتای ۲۸ مرداد، تشکیل رسیدگی به مندرجات روزنامه های تهران

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فضای مطبوعات ایران را وارد مرحله دیگری کرد. فهرست «نشریه های مجاز» اعلام شد و شماری از روزنامه نگاران بازداشت شدند. روزنامه نویسانی که دفتر بیشترین شان در آتش کودتا سوخت و ویران شد. نشریه های پنهانی نیز که چندی پس از کودتا در داخل کشور به وجود آمدند، کاری از پیش نبردند و

نتوانستند پیام خود را سطح گسترده به آگاهی عموم برسانند. دستگاه رعب و وحشت هر روز فربه تر می شد و افزون بر کنترل شدید چاپخانه ها محل چاپ و نشر، بسیاری از نشریه های پنهانی را کشف کرد و شماری از مخفی نگاران بازداشت شدند. هنوز سال ۱۳۳۲ به پایان نرسیده بود که بعضی از مجله ها رویه چاپ داستان های عشقی و تصویرهای برهنگان را پیش گرفتند که واکنش دولت را برانگیخت و در سال ۱۳۳۳ کمیسیون کنترل مطبوعات در نخست وزیری تشکیل شد. این کمیسیون وظیفه داشت مطالب «تحریک آمیز» مطبوعات را که از سوی شهربانی ارسال می شد بررسی کند و نظر خود را برای «تعقیب و توقیف» اعلام دارد. از دهه ۱۳۳۰ روزنامه نگاری ایران فضای متفاوتی را تجربه کرد و گرفتار حمایتگران سانسور گر شد. دانشگاه تهران در صدد برپایی رشته روزنامه نگاری برآمد و موسسه مطبوعاتی اطلاعات دوره های کوتاه مدت را پی ریزی کرد. دانشگاه تهران در آغاز دوره هایی برای روزنامه نگاران لیسانسه تشکیل داد که استقبال روز افزون منجر به تصویب اساسنامه موسسه روزنامه نگاری و تاسیس رشته روزنامه نگاری در شورای دانشگاه تهران شد. آموزش روزنامه نگاری در دانشگاه تهران ۱۲ سال دوام آورد و پس از آن به دوره های متناوب شبانه و کوتاه مدت بسنده شد تا این که پس از حدود دو دهه تعطیلی از سال ۱۳۷۴ بار دیگر با تاسیس دوره کارشناسی در آن دانشگاه موافقت شد. روزنامه اطلاعات، تیر ۱۳۳۵ «نخستین دوره کارآموزی خبرنگاری» را برپا کرد که تاثیر دوره یاد شده در سرنوشت و تداوم حیات حرفه ای موسسه برگزاری دوره های دیگر کوتاه مدت شد. از سه دوره آموزشی روزنامه نگاری موسسه مطبوعاتی اطلاعات ۱۵۰ تن گواهی قبولی دوره خبرنگاری دریافت کردند. روزنامه نگاران حرفه ای از اردیبهشت ۱۳۳۳ که «انجمن خبرنگاران» را تشکیل دادند، در پی تشکل صنفی بودند اما جمع های روزنامه نگارانه دوام و بقایی نداشت و پس از چندی فرو می پاشید. ۱۳۳۷ که کانون روزنامه نگاران ایران برپا شد مدیران مطبوعات در سال ۱۳۳۸ برای مقابله با کانون روزنامه نگاران، باشگاه روزنامه نگاران ایران/انجمن مطبوعات ایران را برپا کردند. جمع مدیران نیز سه سال بیشتر دوام نداشت و ۱۳۴۱ به انحلال رسید. جبهه مطبوعات متحد (۱۳۳۹)، جبهه مطبوعات متفق (۱۳۴۰)، شاخه مطبوعاتی حزب ملیون (۱۳۴۱) و تشکل شهرستانی همگی موسمی بودند و پس از چندی به تاریخ می پیوستند. در حقیقت تا تاسیس سندیکا، روزنامه نگاران تشکل صنفی به مفهوم دقیق کلمه نداشتند. جدال روزنامه نگاران با دولت در سال منتهی به پیروزی انقلاب که با تظاهرات روزانه مردم توأم بود هر روز ابعاد تازه ای به خود می گرفت. ۲۷ اسفند ۱۳۵۶، نامه سرگشاده ای در اعتراض به سانسور مطبوعات با امضای ۹۰ تن از نویسندگان، خبرنگاران، گزارشگران و مترجمان مطبوعات خطاب به جمشید آموزگار نخست وزیر وقت منتشر شد. ۲ اردیبهشت ۱۳۵۷ نامه دوم با امضای ۹۴ تن نکته های دیگری از ممیزی روزنامه ها و مجله ها را برملا می کرد. در پی دو نامه یاد شده ۶۰ تن ردیه ای بر نامه ها انتشار دادند که حکایت از شکاف درونی مطبوعات داشت و دولت را در اعلام «ضرورت تصفیه جامعه مطبوعات» گستاخ کرد. روزنامه

نگاران اما به درستی می دانستند که حکومت ضعف دارد و آنچه که آنان «تصفیه» می نامند به جایی نخواهد رسید. از ۱۶ دی ۱۳۵۷ به مدت ۴۰ روز صف دلپذیر مردم برای خرید روزنامه ها مقابل پیشخوان روزنامه فروشان ایران شکل گرفت و فقط شمارگان روزنامه های آیندگان، اطلاعات و کیهان در مجموع از مرز ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نسخه گذشت. چاپخانه ها پاسخگوی نیاز مردم نبود. اقبال عمومی از مطبوعات و چاپکرده های صادفانه، بار دیگر خشم نظامی ها را برانگیخت. تیر اندازی به صف خریداران روزنامه و شهادت ۴ تن از خوانندگان مطبوعات و بازداشت ۸۰ ساعته و آزادی ۵ تن از روزنامه نگاران از آخرین برخوردهای رژیم پهلوی با جامعه مطبوعات بود.

دوره انقلاب

26 دی ۱۳۵۷ با خروج محمد رضا شاه پهلوی دوره بی مانندی در تاریخ مطبوعات ایران آغاز شد که ۲۰۶ روز دوام آورد. به سخن دیگر از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ظرف ۱۸۰ روز مطبوعات ایران روزگار متفاوتی با ادوار پیشین و پسین از سر گذراندند. هنوز سه ماه از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نگذشته بود که شمار روزنامه ها و مجله ها از مرز ۳۰۰ عنوان در گذشت. اقبال عمومی و فزونی میل مردم به خواندن موجب شد که سودجویان نیز وارد معرکه چاپ و نشر مطبوعات شوند و با اجاره «امتیاز» و به کار گیری بعضی از نویسندگان و خرید «آلبوم عکس های» شاه و درباریان به جرگه مجله داران ایران بپیوندند. سال ۱۳۵۸، دفتر روزنامه ها و مجله ها از تمرکز میانه شهر تهران خارج شد و در هر گوشه تهران نشریه ای نو پا به عرصه می نهاد. در جوار دو موسسه مطبوعاتی بزرگ کشور که با دو روزنامه عصر شناخته می شدند دو روزنامه صبح ظهور کرد. سال ۱۳۵۹ نیز مطبوعات ایران رخدادهای گوناگونی از سر گذراند که توقیف ۴۰ نشریه از سوی دادستانی انقلاب تهران که بیشتریشان مارکسیستی و بدون پروتونه انتشار بودند، از آن جمله است. هشت سال نخست دهه اول انقلاب، ایران گرفتار جنگ تحمیلی عراق بود و تمام مسائل کشور و از جمله مطبوعات زیر سایه مساله جنگ قرار داشت. مطرح ترین روزنامه ای که دو هفته پیش از جنگ منتشر شد، روزنامه میزان بود. در دوره جنگ ۶۴ تن از اصحاب مطبوعات در جبهه های جنگ به شهادت رسیدند و روزنامه نگاران ایرانی مدت زمانی زیر موشک باران و بمباران تهران به انجام وظایف خود مشغول بودند. مطبوعاتی های ایران در دوران جنگ تجارب ارزنده ای به دست آوردند، تاکنون مکتوب نشده است.

از آغازین ماه های دهه ۱۳۶۰ تعدادی از روزنامه نگاران حرفه ای که به انتشار مجله های سرگرمی، اقتصادی، سینمایی و نظایر اینها روی آورده بودند از وزارت ارشاد مجوز موردی می گرفتند که پایدارترین شان مجله های فیلم و صنعت حمل و نقل بودند. در آن سال ها به ندرت پروانه انتشار دائم صادر می

شد. انتشار آدینه و پس از چندی نشریه های مشابه آن، نشر شمار بسیاری مجله های مذهبی، فرهنگی و مذهبی، سیاسی و تعطیل تعدادی از روزنامه ها و مجله ها، شهادت خبرنگاران در جبهه های جنگ، گروه گرایی و خارج نشینی تعدادی از روزنامه نگاران، انحلال دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، تشکیل کلاس های کوتاه مدت آموزش روزنامه نگاری و برگزاری دوره کارشناسی روزنامه نگاری در دانشگاه آزاد اسلامی، فعالیت های موردی سندیکا، توقیف روزنامه بورس، تجدید چاپ مطبوعات قدیم، توقیف روزنامه صبح آزادگان، تصویب قانون مطبوعات و سپس آیین نامه اجرایی آن، کاهش خود خواسته تیراژ مطبوعات به علت کمبود ارز و مشکلات ناشی از جنگ و صف و انتظار روزنامه خوانان در مقابل روزنامه فروشی ها برای گرفتن یک نسخه روزنامه و یا مجله و... از جمله رویداد های مطبوعاتی ایران در سال های جنگ بود. از سال ۱۳۶۷ فضای سیاسی کشور تغییر کرد و زمینه تحول در حیات مطبوعات ایران فراهم آمد و بارقه امیدی در دل ها جوانه زد. در آن سال، نخست به سبب موفقیت سینمای ایران و رواج مجله های سینمایی، سینمانویسان و منتقدان فیلم گرد هم آمدند و «هیات رئیسه مجمع منتقدان نویسندگان و مترجمان سینمایی مطبوعات کشور» را تشکیل دادند. اوایل سال ۱۳۶۸ امور مطبوعاتی پس از یک دهه تنزل اداری، دوباره به معاونت ارتقا پیدا کرد و حوزه معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بازگشایی شد. شمار نشریه های ادواری چاپ ایران در گستره ۱۲ ساله (بهمن ۱۳۵۷ تا اسفند ۱۳۶۹) از مرز ۲۵۰۰ عنوان گذشت. سیاهه نشریه های فارسی برونمرزی نیز در فهرست هایی که در اروپا و امریکا منتشر شده، موجود است. این فهرست ها نشانگر آن است که در دوره یاد شده آلمان غربی در صدر قرار دارد. نشریه های چاپ داخل در ۶۳ شهر کشور انتشار پیدا کردند اما به نکته باید افزود که حدود نیمی از چاپکرده های داخلی با بودجه های غیر خصوصی منتشر شدند. از بازگشایی حوزه معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که بعدها به معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی تغییر نام داد تا سال ۱۳۹۰ یازده تن سکاندار امور مطبوعاتی در دستگاه فرهنگ کشور شدند. در بیست و اندی سال یاد شده روزنامه نگاری ایران دوره های پرفراز و فرودی را از سر گذراند.

تاریخ مطبوعات جهان

پیش از پیدایش روزنامه به معنی کنونی آن، ملل متمدن وسایلی برای کسب خبر و اطلاعات داشته اند و بیشتر حکومت ها پیوسته به آگاه کردن مردم از رویداد ها و نظرات رسمی حکومت اصرار می کردند.

نقش ویژه چین

پائو نشریه اخبار دربار چین حدود هزار و سیصد سال (۶۱۸-۱۹۱۱ م.) بی وقفه برای تحصیل کردگان دولت پکن منتشر می شد. بنابر مدارک موجود، نخستین بار کاغذ را شخصی به نام تسای لون در چین اختراع کرد. چینی ها در اواخر قرن دوم میلادی سه عنصر مورد نیاز چاپ، یعنی کاغذ، جوهر و سطوح کنده کاری شده را در اختیار داشتند.

رلیشن، نخستین روزنامه هفتگی

رلیشن نخستین روزنامه ای بود که به صورت هفتگی و به مدت هفتاد سال به زندگی خود ادامه داد. اما به هر حال، رلیشن از بسیاری جهات شبیه روزنامه های امروزی نبود. در آن دوران پستی ها نقش تعیین کننده ای در گرد آوری اخبار داشتند، چرا که آن جایی که خبرها را از دلجان ها یا پیک های سواره می گرفتند.

نخستین روزنامه بلژیک

نخستین روزنامه بلژیک بنام نیووتیجنژن در سال ۱۶۱۶ منتشر شد.

نخستین روزنامه انگلیس

روزنامه کورانت در سال ۱۶۲۱ در لندن منتشر می شود. روزنامه دیگری در سال ۱۶۶۵ در انگلیس منتشر شد که در آغاز آکسفورد گزت خوانده می شد.

نخستین روزنامه فرانسه

نخستین روزنامه فرانسه تحت عنوان گزت در سال ۱۶۳۱ منتشر شد.

نخستین روزنامه سوئد

در سوئد نخستین روزنامه با نام پست-اخ اینرایکس تیدنینگر در سال ۱۶۴۵ انتشار یافت. این روزنامه سوئدی قدیمی ترین روزنامه ای است که هنوز تا امروز و ظاهراً بدون وقفه به انتشار خود ادامه داده است.

نخستین روزنامه آمریکا

روزنامه پابلیک اکرنسز در ۲۵ سپتامبر سال ۱۶۹۰ به سردبیری بنیامین هریس در بوستون انتشار یافت. این روزنامه تنها یک شماره انتشار یافت و به سرعت توقیف و ناشر آن بازداشت شد و به همین دلیل است که تاریخ

آغاز انتشار روزنامه های مدرن آمریکا را در سال ۱۷۳۴ می دانند. نخستین روزنامه سیاهپوستان آمریکا هم در سال ۱۸۲۷ تحت عنوان ژورنال آزادی منتشر شد.

نخستین روزنامه کانادا

روزنامه هالیفاکس گزت در سال ۱۷۵۲ منتشر شد.

نخستین روزنامه هند

روزنامه بنگال گزت در سال ۱۷۸۰ در کلکته منتشر شد. روزنامه بمبئی سامچار هم از سال ۱۸۲۲ در هند منتشر شد.

نخستین روزنامه استرالیا

اما نخستین روزنامه ها در بخش شرقی جهان در قرن نوزدهم با عنوان سیدنی گزت و نیوساوت ویلز ادورتایزر در سال ۱۸۰۳ در استرالیا از سوی دولت نظامی منتشر شدند.

نخستین روزنامه ژاپن

نخستین روزنامه ژاپن نیچی-نیچی در سال ۱۸۷۲ منتشر شد. درباره نخستین جراید مسلمانان ژاپن باید گفت که توجه ژاپنی ها به اسلام به روزگار حمله به چین باز می گردد (۱۹۷۳-۱۹۴۵) که طی آن برای جلب اقلیت های مسلمان چین کوشش هایی شد.

نخستین جریده قفقاز

نخستین جریده ای که به زبان ترکی آذربایجانی منتشر شده، اخبار تاتار است که ضمیمه روزنامه روسی زبان اخبار تفلیس بوده است. این ضمیمه در اوایل سال ۱۸۳۲ جانشین ضمیمه فارسی آن، که از اوایل سال ۱۸۳۰ انتشار می یافت، شد. جریده ترکی زبان دیگری نیز در تفلیس، به نام قافقازین بو طرفینین خبری (اخبار این سوی قفقاز)، ضمیمه روزنامه هفتگی روسی زبان پیک ماورای قفقاز، چاپ می شد که حدود پنج سال بعد، در سال ۱۸۴۶ توقیف گردید.

نخستین جراید در قلمرو عثمانی

دولت عثمانی با مطبوعات اروپایی نخستین بار در جریان انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۹۸) مواجه شد و از آن استقبال کرد. نشریه اخبار در سال ۱۷۹۵ و روزنامه فرانسوی قسطنطنیه در سال ۱۷۹۶. نخستین روزنامه فارسی که در عثمانی منتشر شد، ضمیمه فارسی روزنامه تقویم وقایع بود که در فاصله سال های ۱۲۴۷ تا ۱۲۵۳ چاپ شد.

نخستین جراید مصر

در ۱۸۶۹ دو مصری به نام های ابراهیم مویلحی و محمد عثمان جلال انتشار نزهه الافکار را آغاز کردند. اما مطبوعات مهم در فاصله سال های ۱۸۷۶-۱۸۷۸ به همت روزنامه نگاران سوری-لبنانی، که نمی توانستند در کشور خود آزادانه به حرفه شان پردازند، پدید آمد. در راس این مطبوعات، الاهرام بود که سلیم و بشاره تقلا آن را تاسیس کردند. از دیگر نشریات این دوره دو هفته نامه الاتحاد المصری که در ۱۸۷۹ در اسکندریه تاسیس شد و تا ۱۸۹۲ ادامه یافت؛ روزنامه قبطی قاهره به نام الوطن که در حدود ۱۸۷۸ تاسیس شد و تا ۱۹۲۹ انتشار یافت.

نخستین روزنامه سوریه

در ۱۹ اکتبر ۱۸۶۵ روزنامه ای به نام سوریه، به عربی و ترکی، منتشر شد که نخستین روزنامه کشور سوریه به شمار می آید. پس از آن در سال ۱۸۶۷ در شهر حلب روزنامه غدیر الفرات چاپ و منتشر گردید.

نخستین نشریات عراق

فرماندار لیبرال عثمانی، مدحت پاشا، در ۱۸۶۸ نخستین روزنامه به نام الزوراء را در عراق تاسیس کرد. دولت در سال ۱۸۷۵ نشر روزنامه الموصل را در موصل آغاز کرد و در سال ۱۸۹۵ نشریه البصره را در بصره منتشر ساخت.

نخستین روزنامه عربی زبان

البشیر، نخستین روزنامه عربی زبان، در بیروت به چاپ رسید. این نشریه را مسیحیان ژژوئیت (یسوعی) به طور هفتگی منتشر می کردند. پیش از آن، از ۱۸۶۰، بطرس بستانی نشریه نفیر سوريا را منتشر می کرد. مسلمانان بیروت در ۱۸۷۴ هفته نامه ثمرات الفنون را بنیان گذاشتند که تا انقلاب ترک های جوان انتشار می یافت و سپس الاتحاد العثماني نامیده شد.

نخستین نشریه عربستان

در شبه جزیره عربستان، قدیم ترین روزنامه، یعنی صنعاء، در سال ۱۸۷۹ تاسیس شد و نظیر بسیاری رسمی، که زیر نظر حکومت عثمانی بودند، به عربی و ترکی چاپ می شد. در سال ۱۹۰۸، نخستین روزنامه در مکه، با نام حجاز، منتشر شد.

نخستین جریده افغانستان

در سال ۱۸۶۳ میلادی نخستین نشریه رسمی تاریخ افغانستان منتشر شد. اما در منابع دیگر آمده است که نخستین جریده افغانستان به نام کابل در ۱۲۸۴ در دوره محمد اعظم خان منتشر شد که بانی و موسس آن سید جمال اسد آبادی بود.

نخستین نشریه فلسطین

نخستین نشریه فلسطینی الکرمل بود که مسیحی ارتودکسی به نام نجیب نصار، آن را در سال ۱۹۰۸ در حیفا تاسیس کرد. در سال ۱۹۱۱، یک مسیحی دیگر به نام عیسی العیسی انتشار نشریه فلسطین را در یافا آغاز کرد. نخستین نشریه روزانه به زبان عربی، روزنامه قدیمی فلسطین بود که در سال ۱۹۲۹ انتشار مرتب آن به طور روزانه آغاز شد و تا سال ۱۹۸۳ انتشار آن در شهر قدیمی بیت المقدس ادامه یافت.

نخستین جراید مسلمانان چین

کلا یکصد نشریه متعلق به مسلمانان چین شناسایی شده است. یک نشریه از سال ۱۹۰۸ در خارج از کشور منتشر می شد؛ تاریخ آغاز انتشار سیزده نشریه نامشخص است؛ و ۸۶ نشریه باقی مانده در فاصله سال های ۱۹۱۳-۱۹۳۹ تاسیس شدند. در فاصله سال های ۱۹۱۳-۱۹۲۶ نیز هجده مجله تاسیس شد.

نخستین روزنامه پاکستان

قدیمی ترین روزنامه اردو زبان پاکستان روزنامه جنگ است که در سال ۱۹۳۹ آغاز به کار کرد. انا اولین روزنامه انگلیسی زبان پاکستان روزنامه دوان بود که در سال ۱۹۴۷ پس از استقلال پاکستان منتشر شد.

تولد روزنامه به مفهوم نوین

انتشار روزنامه و به عبارت بهتر تولد روزنامه به مفهوم امروزی آن در سال ۱۶۵۰ در لایپزیگ آلمان و با انتشار اینکومند زایتونگن صورت گرفت. اینکومند زایتونگن ۶ روز در هفته منتشر می شد، چهار صفحه داشت و ابعاد آن حدود ۳۱،۵ در ۱۷ سانتی متر بود.

منبع: روابط عمومی

<http://researchpr.blogfa.com>

گردآوری شده توسط شبکه پذیرش آگهی